

## اگر میگویید قرآن نوشته بشر است سوره ای مثل قرآن بیاورید!

یکی از معروف ترین سفسطه های مسلمانان که از آیات خود قرآن نیز برگرفته شده است همواره این بوده است که اگر شما میگویید قرآن کتاب آسمانی نیست، سوره ای مثل قرآن بیاورید!

سوره ماده گوساله آیه 23 (ترجمه) عبدالحمید آیتی

و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم در تردید هستید، سوره ای همانند آن بیاورید و جز خدای همه حاضران را فراخوانید اگر راست میگویید

و هرگاه چنین نکرید و هرگز نتوانید کرد، پس بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده و هیزم آن مردم و سنگها هستند.

این ادعای محمد در چند جای دیگر قرآن از جمله سوره یونس آیه 38، سوره هود آیه 13، سوره الاسراء آیه 88 و سوره الطور آیه 33 و 34 بصورت های مشابه با تفاوت های جزئی از قبیل اینکه بجای اینکه بگوید "سوره ای بیاورید" میگوید "کتابی بیاورید" آمده است.

در این آیه الله با حالت ضد بشر و سادیستی خود میگوید اگر شما اعتقاد دارید قرآن کتاب آسمانی نیست، سوره ای مثل قرآن بیاورید و البته الله از پیش داوری میکند که وقت خودتان را هدر ندهید چون که هرگز نخواهید توانست، و کافران را چون کودکانی که از لولو خرخره میترسانند از یک مکان مسخره و یک عمل مقایر با حقوق بشر و غیر اخلاقی یعنی ایجاد آتشی که مردم و سنگها هیزمش هستند میترساند. الله بیچاره نمیدانسته که این جهنم مسخره الهی فقط خود برادران کم مغز حزب الهی را میترساند تا خردگرایان را.

نوشتن کتابی مانند قرآن واقعا بسیار دشوار است، میزان از هم گسیختگی مطالبی که در قرآن مطرح میشود و افسانه های کم ارزشی که از آثار دیگران دزدی ادبی شده اند مجموعه ای نوشته کاملاً کم کیفیت و کم ارزش را پدید آورده است که پدید آوردن چیزی مشابه آن بسیار دشوار و سخت است. مطمئناً اگر کسی ادعا نمیکرد که کتاب قرآن از آسمان آمده است و یک نویسنده چنین کتابی را در قرن 21 ام بعنوان یک کتاب معمولی مینوشت کتاب وی با بی اعتنایی مواجه میشد و بیش از یکی دو نسخه از آن فروش نمیرفت. ایکاش هر مسلمانی یکبار قرآن را به زبان مادری خود بخواند. اگر در نزد شخصی که اطلاعی از قرآن ندارد یک ترجمه فارسی قرآن و یک جلد کتاب دیوان حافظ قرار دهید و به او بگویید که یکی از این دو کتاب از آسمان آمده است و از او بخواهید که کتاب آسمانی را از کتاب زمینی تمیز دهد مطمئن باشید که دیوان حافظ را انتخاب خواهد کرد، خودتان آزمایش کنید.

از اینها گذشته ببینیم واقعا "مثل قرآن" یعنی چی؟ آیا منظور این است که سوره ای بیاورید که در آن از افسانه هایی مثل یوسف و موسی و غیره سخن گفته باشد؟ خوب کتابهای عربی داستاناوار بسیار زیاد هستند، داستانهایی که در آنها الله وجود دارد و از وجود الله در آنها استفاده میشود. آیا منظور این است که

سوره هایی مانند قرآن بیاورید که هم آهنگ و هم شکل سوره ه ای قرآن باشند؟ خوب اگر اینطور است میتوان بسیاری از آیه های جنایی و زشت قرآن را به آیه هایی زیباتر تغییر داد مثلا،

آیه الهی:

توبه آیه 123

ای کسانی که ایمان آورده اید، کافرانی که نزد شمایند را **بکشید**! تا در شما درشتی و شدت را بیابند. و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است!

آیه زمینی:

ای کسانی که ایمان آورده اید، کافرانی که نزد شمایند را نکشید! تا در شما مهربانی و انسانیت را بیابند. و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است!

یا

آیه الهی:

مأئده 38  
و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا **ببرید** و خداوند توانا و حکیم است. [ترجمه ها، تفاسیر و شان نزول](#)

آیه زمینی:

دست هیچ کس را به هیچ عنوان نبرید، دزد هارا از حکومت برکنار کنید تا امنیت شغلی ایجاد شود و کسی دزدی نکند و خداوند انسانهای خیراندیش را دوست میدارد.

خوب تمام اینها را میتوان آياتی مثل قرآن دانست، یا حتی سوره های کاملی میتوان "مثل" قرآن آورد  
مثلا:

سوره زمان:

سوگند به این زمان، که آدمی در خسران است، مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند.

سوره خرد:

سوگند به خرد انسان، که آدمی در پیشرفت است، مگر آن انسانهایی که مذهبی هستند و به خدا اعتقاد دارند و یکدیگر را به کارهای بیهوده ای چون حج و نماز و تقلید سفارش کردند.

همانطور که میبینید میتوان به این سبک هزاران سوره و آیه نه تنها مثل قرآن بلکه بهتر و زیباتر از قرآن آورد. معمولاً وقتی من با این ادعا روبرو میشوم میگویم من یک آیه مثل قرآن می آورم و همان لحظه یک آیه از قرآن را که در ذهن دارم بصورت تصادفی انتخاب میکنم و برای شخص میخوانم. بعد آن شخص از روی جهالت و تعصب شروع به ایراد گیری میکند که این چه آیه مسخره ای است و اینجایش غلط صرف و نحوی دارد و من بعد از مدتی به او میگویم که این آیه ای که من انتخاب کردم از خود قرآن بود و آن شخص را به پوچ بودن این ادعای مسخره الهی آگاهی میدهم.

وقتی که محمدیون این ادعا را مطرح میکردند اعراب زیادی در آن زمان که اوج دوران شعر و شاعری عربستان بود اشعاری در رد حرفهای محمد میسرودند و ادعا میکردند که آیه ها و سوره هایی زیباتر از سوره ها و آیه های محمد آورده اند و محمد بسیار با آنان به دشمنی بر میخواست و حتی چند تن از آنان را بطور کاملاً ناجوانمردانه ترور کرد. بعنوان مثال در تاریخ نام اسما بنت مروان زن شاعری هست که اشعار محمد را هجو میکرد و محمد بر سر خود میکوبید که چه کسی از شما مومنان مرا از دست این زن نجات میدهد؟ تا اینکه وی را ناجوانمردانه کشتند و یا کعب بن اشرف که مرد دانشمندی بود و محمد وی را نیز ترور کرد ماجرای ترور کعب را میتوان در نوشتاری با فرنام "محمد اولین تروریست اسلامی، ترور کعب بن الاشرف از دانشمندان یهودی توسط محمد از تاریخ طبری" بخوانید. نقل هایی نیز وجود دارد بر اینکه ستون سنگی ای که حاجی ها در ایام حج آنرا رجم میکنند خود قبر شاعریست که به دستور محمد کشته شد، محمد دشمنی بسیاری با شاعران و دانایان عرب ورزید و دور و ور خود تنها انسانهای خونخوار و فرومایه ای چون علی، عمر و... را با زن دادن و یا زن گرفتن جمع کرد.

تنفر محمد از شاعران تا حدی است که در قرآن سوره ای به نام شعرا وجود دارد که در تمام این سوره از پیامبرانی که با قوم خود صحبت میکردند و قومشان حرفشان را گوش نمیدادند و بلایی که خداوند سرشان می آورد مانند باران، سیل و... حرف زده میشود تا مومنان زمان محمد را که با شنیدن حرفهای شاعران به شک افتاده بودند بترساند که مبادا محمد را رها کنید و به دنبال شاعران بروید، این تنفر و هراس از شاعران تا جایی است که در پایان این سوره در آیات 224 تا 227 محمد از زبان الله میگوید،

و گمراهان از پی شاعران میروند، آیا ندیده ای که شاعران در هر وادی گسترده اند؟ و چیزهایی میگویند که خود عمل نمیکنند؟

بنابر این آوردن سوره مثل قرآن و حتی بهتر از قرآن از همان روزهای اول اسلام کار بسیار راحتی بود و خیلی ها این کار را انجام دادند اما خوب مسلمانان آنها را با شدت تمام نابود کردند و ناجوانمردانه کشتند. در ایران نیز این مقطع یکی از دانشمندان ایران کتابی در رد قرآن نوشت و یا رازی امکان وجود وحی را رد کرد و مسلمانان با خشونت و توحش تمام (مثل همیشه) با آنها روبرو شدند. عده بسیاری را گمان بر این است که کتاب الفصول و الغایات ابوالعلاء معری به قصد رقابت و هجو قرآن نوشته شده است و این کار را واقعا خوب انجام داده است.

نکته ای که جالب است تناقض این ادعای قرآن با سایر ادعاهای قرآن است در قرآن میخوانیم،

بگو: اگر راست میگویند، از جانب خداوند کتابی بیاورید که از این دو (مراد تورات و قرآن است) بهتر راه بنماید تا من هم از آن پیروی کنم.

و همچنین:

سوره الاحقاف آیه 10:

بگو: چه میکنید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما بدان ایمان نیاورید؟ یکی از بنی اسرائیل بدان که "مثل" آن بود شهادت داد، پس ایمان آورد، درحالی که شما گردنکشی میکنید. خداوند مردم ستمکار را هدایت نمیکند.

محمد در آیه اول از مشرکین میخواهد که کتابی بیاورند که مانند قرآن و یا تورات باشد، این نشان میدهد این دو را مشابه میدانند، و در آیه بعدی نیز دقیقاً از کلمه "مثل" استفاده کرده که بسیاری از مترجمان قرآن آنرا مخصوصاً نادیده گرفته اند تا این سوتی پروردگار مشخص نشود ولی در متن عربی کلمه مثل کاملاً وجود دارد و خداوند میگوید قرآن مثل تورات است! و طبق قوانین منطقی صفت مثل بودن و شبیه بودن متقارن است یعنی اگر قرآن مثل تورات است میتوان نتیجه منطقی گرفت که تورات نیز مثل قرآن است، پس بنابر این الله گنج خودش در قرآن اشاره میکند به کتابی که مثل قرآن است و وجود دارد! بنابر این دیگر لازم نیست کافران کتابی مثل قرآن بیاورند، قرآن با این تناقض مشخص که در قرآن بسیار یافت میشود خودش حرف خودش را رد میکند و ادعای خودش را باطل میکند، تبارک الله احسن الخالقین واقعا!

مسلمانان ادعا میکنند که قرآن از ادبیات بسیار زیبا و درخشانی استفاده کرده است که خوب همه دین داران چنین حرفهای مفتی راجع به آثاری که آنها را الهی میدانند مانند کتاب اقدس بهایی ها و انجیل و تورات و... میکنند، اما بعید میدانم هیچ کدام یک از این کتابها به زیبایی یک فصل از کتابهای درخشانی مثل کتاب "چنین گفت زرتشت نیچه" یا "کمدی الهی" دانته یا "رباعیات خیام" برسند. یا حاوی مطالب بدرد بخور (!) و کلیدی (!) ای مثل رساله حضرت امام (!) باشند. آیا واقعا داستانهای مسخره قرآن که از سایر کتابهای سامی بویژه تورات دزدی ادبی شده اند را میتوان با داستانهای زیبا و پر عمقی همچون داستانهای مولوی یا از لحاظ سبک نگارشی و زیبایی های ادبی با آثار داستانی زنده یاد صادق هدایت حتی مقایسه کرد؟ امروز هزاران هزار کتاب بسیار زیباتر و ارزنده تر از قرآن در همه جای دنیا چاپ میشود!

اما با فرض اینکه قرآن بسیار بسیار زیبا نوشته شده باشد باز هم این دلیل نمیشود که قرآن نوشته "درست"ی باشد و یا از طرف خدا آمده باشد! این ادعای غیر منطقی و کاملاً مبتنی بر سفسطه قرآن شبیه این ادعا است:

ملکه الیزابت زیباترین زن دنیا است!

اگر باور ندارید، زنی مثل ملکه الیزابت معرفی کنید!

اگر نمیتوانید پس قبول کنید هرچه ملکه الیزابت میگوید درست است!

بنابر این زیبایی (اگر فرض کنیم در قرآن وجود دارد) به هیچ عنوان دلیل بر "درستی" مطالب نمیشود، مطالب بسیار غلطی را میتوان بسیار زیبا بیان کرد، این ادعای مسلمانان مثل بقیه ادعاهایشان کاملاً خالی از ارزش است.

با تمام این حرفها و نشان دادن اینکه این ادعا از ارزش منطقی برخوردار نیست ما سوره های جدیدی را به زبان عربی با ذکر منابع آنها در این نوشتار می آوریم.

سوره الحفد:

### سورة الحفد

اللَّهُمَّ إِنَّاكَ تَعْبُدُ ۝ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ

۝ وَإِلَيْكَ نَسْعِي وَنَحْفُدُ ۝ تَرْجُو

مَرَحْمَتِكَ وَنَخْشَى عَدَابَكَ ۝

إِنْ عَدَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ ۝

سوره الخلع:

سورة الخلع  
اللَّهُمَّ إِنَّا تَسْتَعِينُكَ وَتَسْتَغْفِرُكَ  
﴿وَنُتِي عَلَيْكَ وَلَا نُكْفِرُكَ﴾  
وَتَخْلَعُ وَتَتْرِكُ مَنْ يُفْجِرُكَ

این دو سوره از کتاب المصحف نوشته سجستانی آورده شده است، منبع

أين من بغي و طغى . و جمع فأوعى ،  
وقال : أنا ربكم الأعلى . ألم يكونوا أكثر  
منكم أموالاً و أطول منكم آجالاً . طحنهم  
الثرى بكلّله و مزقهم بتطاوله . فتلك  
عظامهم بالية . و بيوتهم خاوية . عمرتها  
الذئاب العاوية

نوشته غيث ابن سعيد العيادي (قبل از محمد زندگی میکرده است)

نوشته غیث ابن سعید العیادی (قبل از محمد زندگی میکرده است)

لَقَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى الْحُبْلَى  
أَخْرَجَ مِنْهَا نَسْمَةً تُسَعَى  
مِنْ بَيْنِ صِيفَاقٍ وَحَشَى

این سوره نوشته مسیلمه شخصیت که در زمان محمد ادعای شراکت در وحی با پیامبر میکند و پیامبر اسلام وی را میکشد

## سورة النورين

يا أيها الذين آمنوا آمنوا بالنورين. أنزلهما يتلوان عليكم  
آياتي ويحذرانكم عذاب يوم عظيم. نوران بعضهما من  
بعض وأنا السميع العليم. إن الذين يوفون بعهد الله ورسوله في  
آيات لهم جنات النعيم. والذين كفروا من بعد ما آمنوا بنقضهم  
ميثاقهم وما عاهدوا الرسول عليه يُقذّفون في الجحيم. ظلّموا  
أنفسهم وعصوا ونيّ الرسول، أولئك يُسقّون من حميم. إن الله  
الذي نور السموات والأرض بما شاء، واصطفى من الملائكة  
والرسل، وجعل من المؤمنين أولئك من خلقه، يفعل الله ما  
يشاء. لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. قد مكر الذين من قبلهم  
برسلهم فأخذتهم بمكري، إن أخذني شديد أليم. يا أيها الرسول  
بلغ إنذاري فسوف يعلمون. مثل الذين يوفون بعهدك إني جزيتهم  
جنات النعيم. وأن علياً لمن المتّقين. ولقد أرسلنا موسى وهارون  
بما استخلف فبغوا هارون فصبراً جميلاً. فاصبر فسوف يبيلون.  
ولقد آتيناك الحكم كالذين من قبلك من المرسلين، وجعلنا لك  
منهم وصياً لعلمهم يرجعون. إن علياً قانتاً بالليل ساجداً يحذر  
الآخرة ويرجو رحمة ربه. قل هل يستوي الذين ظلّموا وهم  
بعذابي يعلمون

سورة الولاية سبع آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ بِالَّذِي رُبِّدْتُمْ بِشَاهِدَاتِهَا  
يَهْدِيكُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . ﴿١﴾ نَبِيُّكُمْ وَوَلِيُّكُمْ بَعْدَهُمَا مِنْ نَفْسٍ  
رَأَى الْعَالِمُ الْخَبِيرُ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمُ  
عَاقِبَةً ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَكَلْتُمْ عَلَيْهِمُ الْبُيُوتَ كَانُوا إِلَيْهَا كَالَّذِينَ  
إِن كُنْتُمْ فِي حَكْمٍ مِمَّا عَفَاظِنَا إِذَا نُودِيَ كُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ  
الظَّالِمِينَ كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ لَكُمْ مِنَ الْمَرْسَلِينَ إِذَا  
بَشَّرْتُمْ وَمَا كَانَتْ لَكُمْ لِيُنْزِلَ مِنْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُبِينٍ ﴿٥﴾ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ  
وَعَلَىٰ سُنَنِ الشَّاهِدِينَ ﴿٦﴾

سوره الولایه، از کتاب "انقلاب ایران و تعادل اسلام چاپ مصر

سوره های جدید ساخته شده توسط مسیحیان.

## سورة المقاطعة

( 25 آية )

نحم (1) ونضرب الأمثال للجبال لعلمهم يعقلون (2) مثل الذين يدعون إلى  
مقاطعة الغرب والأمريكان وما ينتجون (3) كمثل الذين يبغون غيظاً  
الطهارة يبولون في ثيابهم ويتغوطون (4) لا يتجمرون ولا يغتسلون (5)  
أولئك على عمى من أمرهم وأولئك هم الجاهلون (6) أبغير آلاء الغرب يتنعمون  
(7) وما أدراكم ما يقاطعون (8) هو الذي فجر من الأعماق نفاية فجعل من  
النفاية زيتاً وجعل من الزيت تبراً لهم لعلمهم يشكرون (9) أبغير آلاء  
الغرب يتنعمون (10) هو الذي نثر الأقمار في السماوات تنقل الأخبار لهم  
والأفلام والأنغام وكل ما يشتهون (11) ولولا ما أفاء به عليهم لما برحوا  
تحت الخيام قابعين (12) ألم يخلق لهم الأسبرين والبنسلين وكل دواء  
ينتهي بيين (13) وكانوا من قبل ببول النوق وبسبع تمرات دواء لهم  
قانعين (14) أبغير آلاء الغرب يتنعمون (15) أليسوا على ورق من صنع  
يكتبون وقرآنهم يطبعون (16) ومن ميكروفوناتهم يكبرون ويرتلون (17)  
خرّب الشيطان عقولهم فصور لهم الغرب شيطانياً وإن أصابتهم من الشيطان  
بليّة فإلى الغرب يفتزعون (18) أبغير آلاء الغرب يتنعمون (19) أفليسوا  
على طيارات وسيارات من صنعهم يتنقلون (20) فلينظر الذين كفروا إلى ما  
حولهم وما بين أيديهم لعلمهم يعقلون (21) فلينظروا إلى البراد  
والغسالة والنشافة والتلفون وآلة غسل الصحون (22) ولينظروا إلى  
المذياع والكاميرات والحاسوب والتلفزيون (23) يريدون للغرب كيداً وما  
يكيدون إلا لأنفسهم عمي جهل لا يفقهون (24) هو الغرب الذي لا حول لهم إلا  
به وإليه أين توجهوا يرجعون (25) وإن منهم من يقرّ بفضله فأولئك هم على  
علم بما هو خير لهم وأولئك هم المفلحون (26)

## سورة الكتاب

امذ (1) قل يا أيها المُّضَلَّلُونَ انظروا في ما بين أيديكم من كتابٍ والتمسوا  
عونَ الله إن كنتم إلى الله راغبين (2) يفتح الله بصائرکم ويریکم ما فيه من  
إفکٍ مبين (3) واقراءوا الفلقَ والهمزةَ والفيلَ والعادياتِ والنازعاتِ والفجرَ  
والغاشيةَ والطارقَ والبروجَ والشمسَ والمُطَفِّفينَ (4) وعشراتِ أخرياتٍ لا نفعَ  
فيها ولا سمين (5) واقراءوا سورةَ الدخانِ فهل ترون فيها إلا الهذر الهجين (6)  
وهل ترون في الكوثرِ واللمبيِ إلا شتماً لا يليقُ بالمرسلين (7) واقراءوا النساءَ  
والتحريمَ والأحزابَ وما حوته أخرياتُ مما يندُّ له من الخجلِ الجبين (8) واقراءوا ما  
حوته الملكُ ولقمانُ وأخرياتُ من خرافاتِ الأولين (9) وإن وجدتم فيه من القولِ  
الصالحِ قليلاً فإن هو إلا نقلٌ عن لسانِ الصالحين (10) أفتجدون فيه بعد ذلك  
كتاباً يُنسبُ حقاً إلى ربِّ العالمين (11) إن هو إلا قولُ شيطانٍ لَعين (12)

## سورة الإيمان

واذكُرْ فِي الْكِتَابِ الْخَوَارِجِينَ إِذْ عَصَفَتِ الرِّيَّاحُ بِهِمْ لِيلاً  
وَهُمْ يَبْجُرُونَ (١) إِذْ تَرَأَى عَلَى الْمِيَاهِ لَهْمَ طَيْفٍ الْمَسِيِّمِ  
يَمْشِي ، فَقَالُوا أَهْوَرَبْنَا يَهزأُ بِنَا أَمْ قَدِ مَسَّنَا ضَرْبٌ مِنْ  
جُنُونٍ (٢) فَجَاءَهُمْ صَوْتُ الْمَعَلِّمِ أَنْ لَا تَخَافُوا إِنِّي أَنَا  
هُوَ أَفَلَا تَبْصُرُونَ (٣) فَهَتَفَتْ هَاتِفٌ مِنْهُمْ يَقُولُ رَبِّي مُرْنِي  
إِنْ كُنْتَ حَقًّا هُوَ ، أَتَى عَلَى الْمِيَاهِ إِلَيْكَ ، عَسَى أَنْ يَبْدُلَ  
اللَّهُ شَكِّي بِيَقِينٍ (٤) قَالَ فَاسْمِعْ إِلَيَّ وَلَتَكُنَّ لِلنَّاسِ آيَةٌ  
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ . (٥) وَإِذْ طَفِقَ الْخَوَارِجُ يَمْشِي رَأَى  
شِدَّةَ الرِّيحِ فَخَافَ وَبَدَأَ يَغْرَقُ فَصَاحَ بِرَبِّهِ يَسْتَعِينُ (٦)  
فَمَدَّ بِيَمِينِهِ لَهُ فَأَخَذَهُ بِهَا وَقَالَ يَا قَلِيلَ الْإِيمَانِ هَذَا  
جِزَاءُ الْمُؤْتَرِينَ (٧) وَإِذْ رَكِبَ الْسَفِينَةَ مَعَهُ سَكَنَتِ  
الرِّيَّاحُ لَتَوَّهَّاهَا فَسَبَّحَ الْخَوَارِجُونَ بِحَمْدِهِ ، وَهَتَفُوا لَهُ  
قَائِلِينَ (٨) أَنْتَ هُوَ ابْنُ اللَّهِ حَقًّا ، بَكَنْحُنْ أَمَّنَّا ،  
وَأَمَّا مَكَنْحُ رُسُلِ الْجَدِيدِينَ (٩) قَالَ طُوبَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ  
يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِشُكٍّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (١٠)

## سورة النبي

حومذ (1) واذكر في الكتاب يوم أنعمنا فيه على الأعراب بنبي من بينهم  
ورسول من لدنا كريم (2) يوم أضانا بمولده الحجاز وأرض المقدس والشام  
لنجعل منه فيما بعد نورا للعالمين (3) ولقد خلقنا الخلق فجعلناه في خير  
خلقنا وجعلنا الناس فرقا فجعلناه في خير فرقة وجعلناهم قبائل فجعلناه  
في خير قبيلة وجعلناهم بيوتا فجعلناه في خير بيت فهو خيركم بيتا  
وخيركم نسبا والله ربكم في خلقه شؤون (4) وقائدا حكيماً محارباً  
حنكاً مقاتلاً عنيداً ورهبة للكافرين (5) ووكلنا به قساً كريماً الأصل  
ومن العارفين (6) يلقنه ما أوحينا به من قبل إلى الأنبياء الأولين (7)  
ويعلمه الكتاب يتلوه عليكم دون لحن نغماً عذبا للسامعين (8) وميژناه  
بلسان مبين (9) أفيفترون عليه بعد هذا كذبا ويقولون هو من الأميين  
(10) لا وربكم هو الأصدق ما كان أمياً بل قارئاً كاتباً حصيفاً فصيحاً ومن  
البارعين (11) وإن هم ألحنوا في قراءته من بعده فالإثم إثمهم ما كان  
له من حيلة في ما سيفعلون (12) ولقد أطلعناه على ما في خزائنا  
وعلمناه ما لا تعلمون (13) أطلعناه على ما في سبع تمرات من شفاء وما  
في العسل وبول النوق من دواء للمبتلين (14) وأريناه دون غيره من الخلق  
كيف تطلع الشمس وتغرب على قرون الشياطين (15) فجعلناه في علوم  
الحياة والطب قبلة للسائلين (16) لا يعصى عليه أمر ولا يخفى عليه سر  
دفين (17) وأذنا له بما لم نأذن لغيره من الرجال وميژناه في الجماع بقوة  
أربعين (18) وزوجاً صالحاً يعدل بين أزواجه بالقسطاس وإن أولى الواحدة  
منهن دون الأخريات معروفاً إن هو إلا بشر كالآخرين (19) وإن هفا غفر الله  
له ما هفا وما سيهفو إذ جعله من المفضلين (20) وإذ قال الكافرون ما هذا إلا  
ولع والعم وأشاعوا عنه كل قول أثير (21) فللنبي الأمر فيهم إن شاء أن  
تحصد رؤوسهم حصداً أو تحرق بيوتهم حرقاً وهذا جزاء المعارضين (22)

## الدعاء

وإذ قال الحواريون للمسيح ربنا علّمنا صلاة ترضي  
رب العالمين (١) قال فارفموا إلى العلياء قلوبكم ولا  
تكرروا الكلام كالمناقين (٢) هو الذي سواكم  
بالروح أبناء له إذ نفخ من روحه في صدوركم روحاً  
لكم فاقننوا له خاشعين (٣) وخطبوه كبنين (٤)  
أبنا الذي في السماء ليتقدس اسمك ليأت ملكوتك  
لتكن مشيئتك إلى أبد الأبد (٥) كما في السماء  
كذلك على الأرض في كل مكان وفي كل حين (٦)  
ربنا خبزنا كفافنا أعطنا اليوم واغفر لنا ذنوبنا  
يا أرحم الراحمين (٧) كما نغفر نحن لكل من كانوا  
بحقنا مخطئين (٨) ربنا ولا تدننا في تجربة إننا  
على الشرير بك نستعين (٩)

## سورة العصفور

(1) ونضرب الأمثال للناس لعلهم يتذكرون (2) فمثل عصفور ذكي كعصفور ذكي رأى تباشير الشتاء فرحل جنوباً ينشد الدفء وفيرا (3) ومثل عصفور غر غبي كعصفور غر غبي رأى تباشير الشتاء فأغض عينيه ونام قريبا (4) وإذ أمرنا الريام تعصف والرعد يقصف وجعلنا حوله زمهيرا (5) طار ينشد دفاً الجنوب لكن ربك كان أعظم تقديرا (6) وأمطرنا عليه من فوقه ماءً غزيرا (7) وحكنا عليه من بعد ألا يطير (8) فهوينا به أرضاً وأتيناها من لدنا قشعريرة (9) هوى وربك أعلم أين هوى هوى إلى قرب ناقة أتخمنها كثيرا (10) فأفرغت الناقة ما في بطنها فنزل عليه وصارت تحت روثها مغمورا (11) قال أمي لم ترض علي، ولو رضيت لما انتهت حياتي على هذه الصورة (12) ولكن ما أن بعث روثها الدفاً في جسمه حتى انتفض فرحاً وحبورا (13) وأخذ العصفور يغني فسمع صوته هر بعث به ربك ليتم أمراً كان مقدورا (14) فرقم عنه الروث فسر العصفور سرورا (15) لكن الهر التمهه وكان عقاب ربك كبيرا (16) وللذين آمنوا وعملوا الصالحات وما سردنا ثلاث حكيم لعلكم تتذكرون (17) أن لا تحسبوا الذين يقذفونكم بالروث أعداء لكم إذ قد يكون في روثهم نفعاً لكم وأنتم لا تعلمون (18) أن لا تحسبوا الذين يرفعون الروث عنكم أصدقاء لكم إذ قد يكون في ذلك أذى لكم وأنتم تعمهون (19) وأن إذا كنتم في مكان دافئ ولو كان غطاءكم من الروث فاقنعوا بماؤاكم ولا تنطقوا ولا تمشوا في الأرض مرحاً لعلكم تسلمون.

## سورة الوصايا

المد (١) إنا أرسلناك للمالين مبشراً ونذيراً (٢) تقضي بما يخطر بـفكرك وتدبر الأمور تدبيراً (٣) فمن عمل بما رأيت فلنفسه ومن لم يعمل فلسوف يلقى على يديك جزاء مريراً (٤) إنا أعطينا موسى من قبلك من الوصيات عشرة ونعطيك عشراتٍ أخرى إذ قد ختمنا بك الأنبياء وجمالناك عليهم أميراً (٥) فانسخ ما لك أن تنسخ وما أمرناهم به فقد سمحنا لك أن تجري على قرارتنا تغييراً (٦) قل لعبادي الذين آمنوا إن تشاءوا يستعبدوا بالرحمن أن لا يضحك منهم الشيطان وليكبروا الله إن عطسوا تكبيراً (٧) وأن لا يقتلوا في بيوتهم كلباً ولا يضموا على حيواناتهم تصويراً (٨) وإذا أرادوا انتمالاً فليبدأوا باليمين قبل الشمال وإن لم يفعلوا فقد اقتربوا ذنباً كبيراً (٩) وإن تبرزوا فليمسحوا مؤخراتهم بحجارٍ ثلاثة ويبتعوا عن الروث إذ قد جعلناه للجنّ غذاءً وعلى المؤمنين أمراً محظوراً (١٠) قل لعبادي الذين آمنوا يغزوا من أرادوا ويقتلوا من أجل رزقهم ومن لم يغز منهم أو لم يحدث نفسه بغزو مات منافقاً منكوراً (١١) وللذين يخشون سحراً يأكلوا سبع عجواتٍ ينجيهم الله من السحر ويبعد عنهم شراً مستطيراً (١٢) قل لعبادي إن أرادوا أن يحلفوا فليحلفوا بالله ولا يخافوا تبذيراً (١٣) وأن ينكحوا ما طاب لهم من النساء مثنى وثلاث ورباع أو ما ملكت أيمانهم إنا جعلنا لهم الدين أمراً يسيراً (١٤) وإذا فرغت من بين يديك الوصايا فاطلب إليك جبريل يأتيك ساعياً مأموراً (١٥) وإن شغل جبريل عنك فعليك بورقة بن نوفل واستفد منه قبل أن نتوفاه فيصبح الوحي عليك أمراً عسيراً (١٦)

## سورة المسلمون

الصم (١) قُلْ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ إِنَّكُمْ لَفِي ضَلَالٍ  
بَعِيدٍ (٢) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَمَسِيحِهِ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ  
نَارٌ جَهَنَّمَ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ (٣) وَجِئْتَهُمْ بِآيَاتِنَا فَكَفَرُوا  
مَكْفَهْرَةً تَلْتَمِسُ عَفْوَ اللَّهِ وَاللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ (٤)  
يَوْمَ يَقُولُ الرَّحْمَنُ يَا عِبَادِيَ قَدْ أَنْعَمْتُ عَلَيْ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ بِالْهُدَى مَنْزِلًا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ (٥) فَمَا كَانَ  
لَكُمْ أَنْ تَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلْتُ وَتَضَلُّوا سَوَاءَ السَّبِيلِ (٦)  
قَالُوا رَبَّنَا مَا ضَلَلْنَا أَنْفُسَنَا بَلْ أَضَلَّنَا مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ  
مِنَ الْمُرْسَلِينَ (٧) وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ اغْوَيْتَ عِبَادِيَ  
وَجَعَلْتَهُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ (٨) قَالَ رَبِّي إِنَّمَا أَغْوَيْتَ  
الشَّيْطَانَ إِنَّهُ كَانَ لِبَنِي آدَمَ أَكْبَرُ الْمُفْسِدِينَ (٩)  
وَيُغْفِرُ اللَّهُ لِلَّذِينَ تَابُوا وَمَنْ أَغْوَاهُمُ الْإِنْسَانُ وَيُبْعَثُ  
بِالَّذِي كَانَ لِلشَّيْطَانِ نَصِيرًا إِلَى جَهَنَّمَ وَبئسَ الْمَصِيرُ  
(١٠) وَإِنْ قَضَى اللَّهُ أَمْرًا فَإِنَّهُ أَعْلَمُ بِمَا قَضَى وَهُوَ عَلَى  
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١١)

## سورة التجسد

سبحانَ الذي خلقَ السمواتِ فلم يجعلْ لها حداً (١) وخلقَ الأرضَ  
وكورها وجعلها ماءً وطلاً (٢) قل للذين خدعوا بدعوة  
الشیطانِ عویةً بائراًكم فافتريتكم علی الله كذباً وكنتم  
للشیطانِ سناً (٣) إن الشیطانَ كان للإنسانِ عدواً ألدّاً (٤) لو  
شاءَ ربكم لاتخذَ من الحجارةِ أولاداً له إذ هو الذي قال للكونِ  
كنْ فكانَ وسبحانه أن یستشیر فی أمره أحداً (٥) سبحانه  
رب العالمین أن ینخذ من خلایفه ولداً . (٦) قل للذین یمترون  
فیما أنزل من قبل لیس المسیح خلیفة الله إذ كان مع الله  
قبل البدء وهو معه أبداً (٧) فیہ ومنه كان مع روح قدسه  
إلهاً سرمدیاً واحداً أحداً (٨) وإذ بعثَ به الأب للعالمین كما  
وعدَ (٩) حلّ فی بطنِ عذراء کلمةً ، وخرجَ منه جسداً (١٠)  
عاشراً للإنسانَ ، علّم الإنسانَ ، مات عن الإنسانِ فدی ،  
وكان الإنسانِ رقدَ (١١) وإلى أبیه السماوی بعد ثلاثة أيامٍ  
صعدَ (١٢) إن الذین کفروا بأیاته وقالوا قولاً إذاً (١٣) لن  
یجعل الله لهم من أمده بذاً (١٤) أما الذین آمنوا بالله  
ومسیحیه فلهم مغفرةٌ وجناتٌ نعیم خالدين فیها أبداً . (١٥)

گرد آوری شده :شارمین مهراذر

[www.nasl-man.blogspot.com](http://www.nasl-man.blogspot.com)